

باسمه تعالی

- ۲ **اوامر**
- ۲ **جملات خبریه در مقام انشاء**
- ۲ **ظهور جملات خبریه در مقام انشاء**
- ۲ **نقطه تمرکز اشکال نقضی مرحوم خویی در جملات اسمیه**
- ۲ **سیر بحث**
- ۳ **جهت اول: اصل دلالت جملات خبریه در مقام انشاء بر طلب**
- ۳ **جهت دوم: دلالت جمله خبریه در مقام انشاء بر طلب لزومی**
- ۳ **تقریب دلالت لزومی بر وجوب بر مبانی مختلف**
- ۳ **تقریب دلالت لزوم بر وجوب بر مبنای مدرسه نائینی**
- ۴ **دو بیان برای تقریب وجوب بر مبنای مرحوم آخوند**
- ۴ **بیان اول: انصراف**
- ۴ **بیان دوم: اطلاق**
- ۴ **دلالت بر وجوب بنا بر مسلک ایجاد**
- ۵ **جهت سوم: استفاده آکدیت از جملات خبریه در مقام انشاء**
- ۵ **عدم احساس آکدیت از جملات خبریه در مقام انشاء**

موضوع: ظهور جملات خبریه / جملات خبریه / اوامر

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته سه نظریه در رابطه با معنای جملات خبریه در مقام انشاء بیان شد. مرحوم آخوند فرمود جملات خبریه در مقام انشاء به معنای حکایت از ثبوت نسبت است و تنها داعی این گونه جملات با جملات خبریه در مقام حکایت متفاوت است. مشهور قائل شدند جملات خبریه در مقام انشاء به معنای ایجاد هستند و با جملات خبریه در مقام حکایت در مستعمل فیه متفاوت هستند. مرحوم خویی نیز فرمود مستعمل فیه آنها متفاوت است ولی در جملات خبریه در مقام انشاء ابراز چیزی است که بر عهده مکلف قرار داده شده است ولی در جملات خبریه در مقام حکایت، اخبار از تحقق است. مرحوم آغاضیاء و مرحوم ایروانی نیز قائل به وحدت مستعمل فیه و داعی جملات خبریه در مقام انشاء با جملات خبریه در مقام حکایت، هستند.

اوامر

جملات خبریه در مقام انشاء

ظهور جملات خبریه در مقام انشاء

نقطه تمرکز اشکال نقضی مرحوم خوئی در جملات اسمیه

در جلسه قبل مرحوم خوئی در مقام نقض به ادعای مرحوم آخوند که قائل شده بود به این که مستعمل فیه جملات خبریه در مقام انشاء با جملات خبریه در مقام حکایت متحد است، فرمود لازمه ای ادعای ایشان این است که در همه موارد استعمال جملات خبریه در مقام انشاء یا جملات اسمیه در مقام انشاء صحیح باشد در حالی که این گونه نیست. نکته ای که در این جلسه اضافه می شود این است که منظور مرحوم خوئی هر جمله اسمیه ای نیست بلکه ایشان بعضی از جملات اسمیه را به عنوان نقض مطرح می کند. بیان مطلب این است که بعضی از جملات اسمیه صلاحیت انشاء را دارند مانند علیه الحج. و بعضی از جملات اسمیه صلاحیت انشاء را ندارند مانند زید قائم. نقطه نقض ایشان به مرحوم آخوند در جملات اسمیه در قسم اخیر است یعنی جملاتی که صلاحیت انشاء را ندارند. تحلیل نقض این است که در این گونه جملات اسمیه صرف ثبوت وصفی برای ذاتی است فلذا دیگر صلاحیت انشاء را ندارد. حال اگر ادعای مرحوم آخوند پذیرفته شود باید این گونه جملات نیز در مقام انشاء به کار برده شود در حالی که صحیح نیست.

خلاصه: مرکز نقض مرحوم خوئی در جملات اسمیه در مواردی است که صلاحیت انشاء را نداشته باشند. شاید ایشان در المومنون عند شروطهم نیز قبول کند که در مقام انشاء استعمال شده است چون صلاحیت انشاء را دارد حتی در المومن سهل الشراء نیز صلاحیت انشاء وجود دارد فلذا در مقام انشاء به کار برده می شود.

سیر بحث

بعد از فراغ از بحث مستعمل فیه و داعی جملات خبریه در مقام انشاء نوبت به بحث از ظهور این گونه جملات می رسد. مجموعاً در این رابطه سه جهت مورد بحث قرار می گیرد.

- ۱- آیا این گونه جملات دلالت بر طلب دارند یا نه؟
- ۲- اگر دلالت بر طلب دارند آیا بر طلب لزومی دلالت دارند یا نه؟
- ۳- اگر دلالت بر لزوم دارند آیا آکدیت از آنها استفاده می شود یا نه؟

جهت اول: اصل دلالت جملات خبریه در مقام انشاء بر طلب

ظاهرا خلاقی از این جهت وجود ندارد که شارع با بیان چنین خطاباتی اعمال مولویت می‌کند و متعلق جمله خبریه مطلوب مولی است. بنا بر مسلک مشهور که قائل به اختلاف معنای جمله خبریه در مقام انشاء و جمله خبریه در مقام حکایت شدند واضح است که دلالت بر طلب دارند زیرا بنا بر مسلک ایجاد معنای جمله خبریه در مقام انشاء، ایجاد است و از این جهت مانند صیغه انشائیه است و بنا بر مسلک ابراز نیز بیان همان تکلیفی است که بر عهده مکلف گذاشته شده است. اما بنا بر مسلک وحدتی ها (کسانی که قائلند معنای جمله خبریه در مقام انشاء با جمله خبریه در مقام حکایت متحد است) تقریب دلالت بر طلب این گونه است که وقتی مولی در مقام مولویت و بما هو مولی می‌گوید شخص جنب غسل می‌کند ظاهرا آن را طلب می‌کند. به عبارت دیگر مولی برای ابراز و بیان مطلوبات خود دو گونه خطاب دارد یک خطابی که با صیغه های انشائیه است و یک نوع خطاب دیگر جملات خبریه است که در این گونه جملات ثبوت نسبت را مفروغ می‌داند و چون مولی بما هو مولی این نوع خطاب را انتخاب کرده است دلالت بر طلب دارد.

جهت دوم: دلالت جمله خبریه در مقام انشاء بر طلب لزومی

در این جهت دو قول وجود دارد:

۱- طلب لزومی

۲- به مشهور نسبت داده شده است که قائل به عدم لزوم هستند و این گونه جملات مجمل هستند.

تقریب دلالت لزومی بر وجوب بر مبانی مختلف**تقریب دلالت لزوم بر وجوب بر مبانی مدرسه نائینی**

کسانی که مسلک مرحوم نائینی را دارند خیلی راحت می‌توانند دلالت لزوم را بر وجوب اثبات کنند. زیرا طبق این مبنا ما دو قید نیاز داریم یکی این که طلبی از مولی صادر شده باشد و دیگری ترخیصی از جانب مولی واصل نشود. در محل بحث فرض این است که جملات خبریه در مقام انشاء دلالت بر طلب دارند پس قید اول محقق است و فرض این است که ترخیصی از جانب مولی نیز نیامده است پس وجوب محقق می‌شود.

دو بیان برای تقریب وجوب بر مبنای مرحوم آخوند

طبق بیانی که ایشان در معنای جمله خبریه در مقام انشاء و در مقام حکایت داشتند و ایشان قائل به وحدت شده اند دو بیان برای دلالت جمله خبریه بر وجوب وجود دارد

بیان اول: انصراف

وقتی مولی در مقام مولویت جمله خبریه را در مقام انشاء ابراز می کند انصراف به طلب لزومی و وجوبی دارد و منشا انصراف این است که وقتی مولی می گوید شخص جنب غسل می کند با توجه با مقام مولویت، التزاما به این معنا است که راضی به ترک این فعل از مکلف نیست و همین که خبر از تحقق این فعل می دهد یعنی من راضی به ترک فعل نیستم فلذا این گونه جملات خبریه در مقام انشاء انصراف به وجوب دارد.

انصراف ادعا شده از جانب مرحوم آخوند درست نیست و در آینده این مطلب واضح می شود.

بیان دوم: اطلاق

وقتی مولی یک درخواستی دارد^۱ و آن را در قالب جمله خبریه مطرح می کند و بعد نیز این را درک می کند که مولی هر چه می گوید آن را انجام بدهد، اقتضای حق مولویت این است که تا زمانی که قرینه بر جواز ترک را نیاورده است باید آن فعل انجام شود. یعنی این مقام با وجوب سازگاری دارد و برای بیان وجوب نیاز به قرینه زائدی ندارد و اگر مراد مولی استحباب باشد باید قرینه بیاورد.

پس به دلالت التزامی دلالت بر وجوب دارد.

دلالت بر وجوب بنا بر مسلک ایجاد

مشهور که قائل به ایجاد بودن معنای جمله خبریه در مقام انشاء هستند، اثبات وجوب منحصر در بیان اطلاقی است یعنی وقتی مولی چنین جملاتی را صادر می کند و از طرفی معنای ایجاد دارند و قرینه ای بر خلاف نیز نیاورد، وجوب ثابت می شود. زیرا وجوب نیاز به قرینه زائد ندارد.

با توجه به این بیان روشن می شود این که به مشهور نسبت داده اند که چنین جملاتی مجمل هستند و ظهور در وجوب ندارند درست نیست بلکه اولاً ظهور دارند و ثانیاً در وجوب ظهور دارند.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۷۱.

جهت سوم: استفاده آکدیت از جملات خبریه در مقام انشاء

بحث آکدیت بر مبنای مرحوم آخوند متصور است زیرا ایشان معنای جملات خبریه در مقام انشاء را با جملات خبریه در مقام حکایت واحد می‌داند و در هر دو ثبوت نسبت جاری است و تنها افتراق آنها در داعی است. حال این بحث مطرح می‌شود که وقتی مولی خبر از ثبوت و تحقق نسبت می‌دهد به دلالت التزامی می‌گوید من به هیچ وجه راضی به ترک این کار نیستم. فلذا نسبت به صیغ انشائیه از آکدیت بر خوردار است.

عدم احساس آکدیت از جملات خبریه در مقام انشاء

به نظر ما وقتی با چنین جملاتی که در شریعت وارد شده است مواجه می‌شویم و این که اصل وجوب را افاده می‌کنند ولی ما احساس آکدیت از آنها نداریم. بلکه در فقه وقتی به جملات خبریه در مقام انشاء مواجه می‌شوند با یک سری دغدغه‌هایی نسبت به وجوب رو برو می‌شوند. منبهای نیز بر این مطلب وجود دارد که از جمله آنها این است که وقتی صیغه امر گفته می‌شود با شدت بیشتری بیان می‌شود ولی در جملات خبریه در مقام انشاء این گونه خصوصیتی وجود ندارد.